

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volum 15, Consecutive Number 33, Winter 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.

journal of
Studies in Islamic Law & Jurisprudence



Reflections on Green Criminology: Hedges and Endowments

Rashidi. Ali¹-Aghaei Bejestani. Maryam^{2*}- Rohani Moghaddam. Mohammad³

1: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2: Associate Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran :Corresponding Author (maqaib@gmail.com)

3: Associate Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Abstract: Environmental crime, which includes any harmful verb to the environment and today is interpreted as «green criminology, and the framework of theoretical discussions related to it is always the subject of discussion domestic Science and International Documents. In this article, with a descriptive-analytical look at the legislative background of these crimes, the legal foundations of green crime and, more importantly, the ‘The challenges of tackling green crime are explored in accordance with existing laws and in the discourse of criminal policy in the field of criminal policy, it is concluded that Iran’s criminal laws regarding the treatment and dealing with this branch of crime ‘It requires the establishment of strategic laws and the determination of policies and policies appropriate to pathological implementation with differential policy making due to the complex and multi-dimensional nature of this category of crimes’ Differential proceedings, on the one hand, and humiliation of the principle of public participation, on the other hand, ensure the achievement of the situation of proportionate understanding in dealing with this phenomenon.

Keywords: Green crime, Criminal policy, Participation principle, Differential proceedings.

- A. Rashidi; M. Aghaei Bejestani; M. Rohani Moghaddam (2023) Reflections on Green Criminology: Hedges and Endowments, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(33), 411-446.
[Doi: 10.22075/feqh.2023.31534.3675](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.31534.3675)

فقه و حقوق اسلامی فصلنامه مطالعات

سال ۱۵ - شماره ۳۳ - زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۴۱۱-۴۴۶ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۵/۲۷ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۷/۱۴ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تأملی در جرم شناسی سبز؛ داشته ها و بایسته ها

علی رشیدی^۱ / مریم آقایی بجزستانی^۲ / محمد روحانی مقدم^۳

۱: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول) maqaib@gmail.com

۳: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

چکیده: جرائم زیست محیطی که شامل هرگونه فعل زیانبار به محیط زیست شده و امروزه تحت عنوان «جرم شناسی سبز» از آن تعبیر می شود و چارچوب مباحث نظری مرتبط با آن همواره موضوع بحث علوم داخلی و اسناد بین المللی بوده است. در این نوشتار، با نگاهی توصیفی - تحلیلی پیشینه تقنینی این جرائم، مبانی حقوقی جرم سبز و مهم تر از آن، چالش های مقابله با جرم سبز با استناد به قوانین موجود مورد کنکاش قرار گرفته و در گفتمان سیاست جنایی در حوزه سیاستگذاری کیفری این نتیجه حاصل می شود که قوانین کیفری ایران در خصوص برخورد و رسیدگی با این شاخه از جرائم، نیازمند وضع قوانین راهبردی و تعیین خط مشی و سیاست های اجرایی متناسب آسیب شناسانه با سیاستگذاری افتراقی با توجه به ماهیت پیچیده و چند بعدی این دسته از جرائم است؛ دادرسی افتراقی از یک سو، و تحقق اصل مشارکت عمومی از سوی دیگر، ضامن دستیابی به وضعیت متناسب در برخورد با این پدیده می باشد.

کلیدواژه: جرم سبز، سیاستگذاری کیفری، اصل مشارکت، دادرسی افتراقی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- رشیدی، علی؛ آقایی بجزستانی، مریم؛ روحانی مقدم، محمد (۱۴۰۲). تأملی در جرم شناسی سبز؛ داشته ها و بایسته ها. مجله

مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۳، صفحات ۴۱۱-۴۴۶.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.31534.3675](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.31534.3675)

مقدمه

بحث محیط زیست و بحران های ناشی از آلودگی آن، مسأله ای است که همه جهانیان را به فکر وا داشته است؛ چراکه محیط زیست، ارتباطی تنگاتنگ با حیات و سلامت انسان ها داشته و آلودگی آن همه جانداران را تهدید خواهد کرد تا جایی که بسیاری از بیماری های جسمی و روانی به ویژه در شهرهای بزرگ، ناشی از همین آلودگی ها بوده و انسان ها در معرض مرگ تدریجی قرار گرفته اند. جرم شناسی در بخشی از مطالعات خود بر مسأله محیط زیست متمرکز شده است و در شاخه ای نوین با عنوان «جرم شناسی سبز» به این مقوله پرداخته است. آسیب های زیست محیطی جلوه های بارز خود را در جرائم زیست محیطی می یابند و دایره شمول جرائم زیست محیطی که هرگونه فعل زیانبار به محیط زیست را فرا می گیرد ماهیت متفاوتی در مقایسه با جرائم دیگر دارد و به واسطه ماهیت پیچیده و چند بعدی خود، شناخت آن نیز مشکل است. این پیچیدگی تا جایی است که جرم شناسان را به ایجاد یک شاخه مطالعاتی جدید با عنوان جرم شناسی سبز یا جرم شناسی محیط زیستی رهنمون ساخته است (بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۶۶).

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله ها در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنان چه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱ آمده است: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است». به عقیده برخی، در اینجا ممنوعیت به معنای جرم بودن نیست و قانونگذار می بایست از عبارت «جرم است» به جای «ممنوع» است، استفاده کند و در ادامه ماده ۹، به مفهوم عام جرم سبز اشاره کرده است (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

با توجه به این که در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، بیش از آن که به تعریف جرائم سبز پرداخته شود، به مصادیق آن پرداخته شده است و همچنین در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست نیز به اعمال موجب آلودگی پرداخته شده است حال این سؤال به ذهن متبادر می شود که حد و مرز آلودگی و تخریب مقرر در مصادیق جرائم سبز کجاست و چگونه آلودگی را می توان جرم تلقی نمود؟ در پاسخ به این سؤال، تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و ادامه ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به تعریف آلودگی زیست محیطی و ماده یک آئین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ به تعریف واژه تخریب پرداخته است. تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار ابنیه مضر باشد، تغییر دهد». ادامه ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست نیز دقیقاً از تبصره ۲ ماده ۶۸۸ گزیده برداری شده است: «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن به طور زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد». ماده یک آئین نامه اجرایی یاد شده در برنامه سوم توسعه نیز در تعریف تخریب بیان می دارد: «تخریب: منظور هرگونه تغییر در منابع طبیعی است که تعادل طبیعت و تنوع زیستی را در معرض خطر قرار دهد». نکته مهم در این مواد آن است که تعاریف قانونی تخریب با تعریف علمی آن چندان از نظر محتوا تفاوتی با هم ندارند و به تعبیری، نگرش حقوقی و قانونی درباره تخریب و آلودگی محیط زیست با بهره مندی از نگاه علمی و فنی حاصل شده است و دیدگاه ها، تعاریف و ... در چارچوب قوانین و مقررات جلوه گر شده اند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۳۱)؛ النهایه در تعریف

پیشنهادی جرم سبز با مطالعه قوانین موضوع مرتبط در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست و شاکله حقوق جزایی و رویه قضایی محاکم می‌توان آن را اینگونه تعریف کرد: «هرگونه فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه به محیط زیست و به خطر افتادن عناصر جاندار و بی‌جان محیط زیست می‌شود و در قوانین موضوعه دارای کیفر و مجازات معین است جرم سبز محسوب می‌شود.» در آخر، این توضیح لازم است که جرم سبز جرمی است عمدی به نحوی که مجرم با قصد منجز مجرمانه یعنی با خواستن و تمایل از انجام عملی که قانون آن را منع کرده و یا ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع شده به آن مبادرت می‌ورزد. به عبارت دیگر، عنصر روانی جرم، همان قصد مجرمانه است که می‌تواند شاخص عمد در ارتکاب بزه باشد؛ به تعبیر دیگر، اراده هدایت شده به سوی هدف معین را قصد گویند (نوربها، ۱۳۹۰، ۱۷۵). بسیاری از جرائم سبز مقید به حصول نتیجه هستند؛ برخی دیگر از جرائمی که در این حوزه در زمره جرائم مطلق قرار گرفته، مانند ماده ۴۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا که سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در فضای باز و اماکن عمومی که دارای ضمانت اجرای جزای نقدی برابر ماده ۱۳ همان قانون است.

۱- پیشینه تقنینی جرائم سبز در حقوق ایران

حقوق محیط زیست یکی از جوان‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است. اهمیت این رشته بیشتر از آن جهت است که با حیات و سلامتی «انسان» به صورت مستقیم در ارتباط است. نظر به اهمیت مسائل مربوط به محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و انهدام مظاهر آن، تحول مهمی که صورت گرفته و به پس از انقلاب اسلامی ایران مربوط می‌شود، این است که مسأله حفاظت از محیط زیست، در قانون اساسی وارد شده و یک اصل از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است. طبق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از اینرو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.» همچنین اصول دیگری نیز

وجود دارند که به نوعی مظاهر و نمودهای محیط زیست را مورد اشاره قرار داده و نحوه بهره برداری از آنها را تعیین نموده است. از جمله اصل ۴۵ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «اموال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عام نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و تربیت استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند» (قوام، ۱۳۷۵: ۶۱).

سیاست جنایی تقنینی در جرائم سبز، بر بکارگیری تدابیر و شیوه‌های خاص پیشگیری و سرکوبگری در قبال این گونه جرائم تأکید دارد؛ در چارچوب یک سیاست جنایی تقنینی کارآمد است که پیشگیری از جرائم سبز و بزه‌دیدگی عناصر سبز، مورد توجه ویژه قانونگذار قرار می‌گیرد و با مقرر کردن حمایت کیفری ویژه، سیاست پیشگیری از بزه‌دیدگی عناصر سبز دنبال می‌شود. امروزه حمایت کیفری در قالب جرم‌انگاری و در پوشش قانون شناخته می‌شود و از این جهت باید در چارچوب سیاست جنایی تقنینی مورد توجه قرار گیرد، اما خود این مفهوم نیز با توجه به روشی که مقنن برای استفاده از کیفر جهت حمایت در نظر می‌گیرد دارای انواع متفاوتی است؛ یکی از این گونه‌ها، حمایت کیفری افتراقی است که مقنن در راستای اقدامات حمایتی در بحث حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، دست به جرم‌انگاری ویژه می‌زند؛ یعنی به جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص اقدام می‌کند که در همین راستا جرم‌انگاری برخی افعال یا ترک افعال با توجه به زمینه‌های مختلف و تحت تأثیر عرف جامعه، معاهدات بین‌المللی و متون فقهی و سایر مؤلفه‌ها انجام می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲). بنابراین در سیاست جنایی تقنینی ایران، مقنن به دو طریق جرم‌انگاری و مجازات مرتکبان، از جرم سبز و عناصر آن حمایت کرده است. با بررسی قوانین برنامه‌های

عمرانی (شش برنامه) قبل از انقلاب اسلامی و برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب اسلامی، آن چه محرز است جایگاه سیر صعودی و توسعه جرم سبز در روند تدوین و تصویب قوانین برنامه‌ای است. باید اذعان کرد که تحقق تمام اهداف زیست محیطی مندرج در برنامه‌های توسعه‌ای، به ویژه در برنامه ششم توسعه به عنوان آخرین برنامه با دیدگاه زیست محیطی، متضمن تقویت زیرساخت‌های بنیادی، هماهنگی بین امور زیست محیطی، عزم و اراده ملی و فراهم کردن بستر مناسب جهت مشارکت عمومی به ویژه سازمان‌های غیر دولتی است که باید درصدد ترسیم برنامه بلند مدت توسعه پایدار در کشور بود.

به لحاظ وجود خلأ قانونی در حوزه جرایم سبز، در حال حاضر، ده‌ها طرح توسعه‌ای در کشور وجود دارد که نیاز به پیوست زیست محیطی دارند. برخی از این طرح‌ها در داخل کشور اجرا شده ولی پیوست زیست محیطی ندارند و قسمت اعظم بودجه آنها از طریق منابع دولتی تأمین شده است. بخشی از مشکلات در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی، ناشی از فرسودگی قوانین است و همچنین دستورالعمل دقیق برای الزام به دریافت گزارش‌های ارزیابی زیست محیطی برای طرح‌های انفرادی وجود ندارد و قانون در این مسائل سکوت کرده است. پرسش اساسی این است که سیاست جنایی ایران در بُعد تقنینی، آیا همسو و به موازات سایر ابعاد سیاست جنایی است یا خیر؟ و آیا این قوانین در راستای پیشگیری از جرائم زیست محیطی و برخورد با مرتکبان اینگونه از جرائم، کارآمد هست؟ در بُعد جبران خسارت، نظام تقنینی چه راهکارهایی را در پیش گرفته و آیا ساز و کارهای یاد شده با شرایط روز جامعه همخوانی دارد؟

سیاست جنایی تقنینی ناظر بر جرم‌انگاری

از لحاظ قانون‌گرایی و مساوات‌طلبی، سیاست جنایی مطلوب آن است که در قانون برای عمل ارتكابی مجرمانه سقف معینی از مجازات پیش‌بینی شود به طوری که نتوان به بیش از میزان پیش‌بینی شده در قانون حکم داد و مجازات پیش‌بینی شده در قانون از حتمیت در اجرا برخوردار باشد و از جهت معیار انسان‌گرایی، سیاست جنایی تقنینی باید مبتنی بر اصل «فردی کردن ضمانت اجرای کیفری» باشد تا از این طریق، زمینه ساز

بازگشت مجدد بزهکاران و منحرفان به جامعه شود. در این صورت، آن چه مهم است اندیشه اصلاح بزهکار است که ممکن است حتی از مجازات نیز خبری نباشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

تغییرات سریع قوانین، اصلاحات پی در پی در برخی از مقررات و جرم‌انگاری‌های افراطی و مانند آن، همگی گویای اتفاقی بودن این سیاست جنایی در کشورمان است. همچنین سیاست‌های جنایی تقنینی، قضائی، اجرایی و مشارکتی نیز مکمل‌همدیگر نبودند و با همدیگر همخوانی ندارند و در مواردی همدیگر را خنثی می‌کنند. کهنگی قوانین موجود در ایران نشان‌دهنده آن است که قوانین ما با شرایط موجود تطابق ندارد. در چند سال گذشته در نتیجه اقدامات انسان‌ها، طبیعت دچار آسیب شده و پدیده‌هایی از جمله گرد و خاک در نتیجه این شرایط ظهور کرده‌اند.

قوانین کیفی در حمایت از جانداران بر اساس گونه‌ها و زیستگاه، جرم‌انگاری شده است. حامیان محیط زیست در راستای حمایت از گونه‌های جانوری، از ابزارهای گوناگونی بهره‌جسته‌اند که یکی از آن ابزارها، استفاده و کمک از آموزه‌های دینی است؛ از دیگر ابزارهای مؤثر استفاده از ابزارهای قانونی است. لازمه وضع هر مقرراتی از جمله قوانین سبز، وجود دلایل متقنی است که به قدر کافی بر ضرورت آنها تأکید داشته باشد (خالقی، ۱۳۸۹: ۶۵۱). اولین قانون جزایی مصوب مجلس که به طور مستقیم به جرم سبز و منابع طبیعی می‌پردازد، قانون شکار مصوب ۱۳۳۵ است که در این قانون برای نخستین بار محدودیت‌هایی برای شکار و صید پیش‌بینی شد. این قانون که در ماده تدوین شده بود بیشتر به دنبال ایجاد راهکارهای مناسب برای حفظ شکار و نظارت بر آن است و برای این منظور هم، تشکیل سازمان مستقلی با عنوان کانون شکار را پیش‌بینی می‌کند. قانون شکار مصوب ۱۳۳۵ و قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ فقط در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که به طور نسبی کلیه ابعاد محیط زیست را شامل می‌شود قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۳۵ است.

نظر به آن که قانون برنامه توسعه پس از قانون اساسی مهم‌ترین اسناد بالادستی قوانین کشور محسوب می‌شود، با نگاه به برنامه‌های توسعه، پرواضح است که مسائل حوزه محیط زیست، در هر برنامه‌ای پررنگ‌تر از برنامه قبل مورد توجه قرار گرفته است.

اسناد بالادستی: در قانون برنامه اول توسعه نیز در راستای جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده، راهکاری معین در تبصره ۳۱ این قانون لحاظ شده است؛ به گونه‌ای که یک در هزار درآمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به این امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون توسعه موضوع در بند د ماده ۵۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین تکرار شده است. در قانون برنامه دوم توسعه توجه بیشتری به حوزه محیط زیست شده و هدف کلی آن تأمین رشد و توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به منظور نیل به رشد و توسعه متعادل مناطق مختلف و تلاش در راستای بهبود کیفیت محیط زیست و احیاء و بازسازی بخش‌های آسیب دیده آن بوده است که علاوه بر اهداف کیفی، اهداف کمی نیز مورد توجه قرار گرفته است. قانون برنامه سوم توسعه در بحث ملاحظات زیست محیطی، از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و بر ادغام و ملاحظات زیست محیطی در فرآیند‌های برنامه‌ریزی بیش از پیش تأکید شده است. در این برنامه، سیاست‌هایی که در برنامه‌های گذشته بیشتر بر فعالیت‌های انفعالی و واکنشی مورد تمرکز بود در راستای بکارگیری سیاست‌های فعال و پیشگیرانه معطوف شد. قانون برنامه چهارم توسعه (۸۹-۸۴) از نظر جامعیت و تأکید بر اصول و مبانی توسعه پایدار، تکامل یافته‌تر از برنامه‌های قبل بوده که بازتاب آن را می‌توان به خوبی در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و مواد ۵۸ الی ۷۱ در فصل مجزایی به نام حفظ محیط زیست مشاهده کرد. در برنامه چهارم توسعه که در آن شانزده ماده قانونی در بخش محیط زیست و آمایش سرزمینی بیان شده، به دلایل مختلفی - از جمله غفلت از بندهای محیط زیستی - نتوانسته سرعت تخریب محیط زیست کشور و معضلات زیست محیطی را کنترل کند؛ در این برنامه، برخلاف برنامه‌های گذشته، به مقوله آموزش و مدیریت زیست بوم و هزینه‌های محیط

زیستی توجه شده بود که متأسفانه به لحاظ فقدان مدیریت مناسب و کارآمد، در همین موارد نیز با بیشترین مشکلات مواجه شد. در برنامه پنجم توسعه ۹۸-۴۹ به مسائل جدید، مثل مهار گرد و غبار و شاخص های پایدار و ارزیابی زیست محیطی و کنترل گازهای گلخانه ای توجه شد؛ این برنامه در دل خود چهار ماده با ۱۶ موضوع در فصل توسعه منطقه ای و محیط زیست و ۳۱ ماده مرتبط با حوزه محیط زیست داشته که با وجود پیش بینی مشارکت مردمی به دلیل محقق نشدن بخش عمده ای از آن نتوانست سرعت تخریب محیط زیست و ذخایر زیست محیطی را کنترل کند. برنامه ششم توسعه محیط زیست با رویکردی خاص و با لحاظ موضوعاتی همچون دیپلماسی محیط زیست، کاهش گازهای گلخانه ای، مقابله با آلودگی هوا، احیاء تالاب ها و رودخانه ها و جنگل ها و حمایت از تنوع زیست محیطی ترسیم شد. یکی از مهم ترین قوانین در حوزه جرائم زیست محیطی و منابع طبیعی، قانون حفاظت از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است که برای حمایت و حفاظت از جنگل ها و مراتع تصویب شده است؛ این قانون برای تضمین منابع طبیعی، به برخی از ضمانت اجرای های حقوقی و بیش از آن به ضمانت اجرای کیفری متوسل شده است؛ با توجه به این که یکی از مهم ترین حوزه ها در جرائم زیست محیطی، مربوط به حوزه جنگل ها و مراتع است و اکوسیستم های جنگلی به دلیل ویژگی اقتصادی، یکی از مهم ترین بخش های محیط زیست محسوب می شوند که به لحاظ دخالت انسان در این امر، اکولوژی جنگل ها و مراتع به سمت نابودی کشانده می شود. از جمله دیگر قوانین در زمینه واگذاری اراضی، طرح اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۷۳ است که به موجب آن، وزارت جهاد سازندگی (جهاد کشاورزی) موظف شد ظرف مدت سه سال، اراضی جنگلی جلگه ای شمال و مراتع ملی غیر مشجر کشور را که تا پایان سال ۱۳۶۵ بدون دریافت مجوز قانونی تبدیل به باغ یا زراعت آبی شده و یا برای طرح های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است، در قبال دریافت اجاره بها یا قیمت تعیین شده، واگذار یا به

فروش برسانند. بر اساس پژوهش صورت گرفته در این حوزه، حدود ۴۸۹ هکتار زمین در جلگه شمالی کشور به افرادی که اراضی موصوف را تحت تصرف داشته‌اند، واگذار شده است (علاف آشتیانی، ۱۳۹۲: ۴۱۴). در آئین‌نامه اجرایی این قانون، سازمان جنگل‌ها موظف به دادن سند به اشخاص متصرف شده است که این موضوع، سبب سندسازی و یا مد رک سازی افراد برای دریافت سند مالکیت اراضی ملی و دولتی تحت تصرف شده است. همچنین بسیاری از افرادی که در زمان مقرر برای اجرای این قانون نتوانستند برای اراضی تحت تصرف، سند دریافت کنند هنوز هم به فکر احیای مجدد قانون یاد شده هستند که این نتایج، مورد توجه پژوهشگران دیگر نیز قرار گرفته است (سوسنی، ۱۳۸۸: ۹۴۲-۷۳۲).

طرح ساماندهی خروج دام از جنگل

از جمله اقدامات مقنن در راستای واگذاری اراضی، طرح ساماندهی خروج دام از جنگل بوده که اجرای آن از سال ۱۳۶۸ شروع شده و با توجه به ارزش زمین در نقاط واگذار شده، این نقاط توسط اهالی غیر بومی به ویژه در بخش جذب توریست قرار گرفته است. این موضوع سبب وجود رانت و رانت خواری و زمین خواری در این منطقه شده و بیشتر دامداران و بسیاری از زمین‌خواران یقه سفید، با سند سازی، اقدام به تصرف اراضی بکر جنگلی و مرتعی در مقابل تخلیه و خروج دام از جنگل کرده و پس از دریافت زمین با توجه به قیمت بالای آن، اقدام به تفکیک اراضی و قطعه بندی آن و فروش به اشخاص مختلف حقیقی یا حقوقی کردند، به گونه ای که هم اکنون عرصه بسیاری از این اراضی نه تنها اثری از دام و احشام در آنها دیده نمی شود، بلکه با انجام ساخت و ساز در آن در قالب شهرک سازی های متعدد و متنوع یا ویلا سازی، موجب تخریب عرصه مرتعی و جنگلی و نابودی دام و عرصه کشاورزی شده اند؛ بنابراین چنانچه قانونگذار در راستای جلوگیری از تخریب جنگل و احیای آن، اقدام به تصویب چنین طرحی کرده باید ساز و کار و راهکارهای علمی و عملی مربوط به آن را در نظر می گرفت. بدین ترتیب که نخست، واگذاری را در قالب اجاره - و نه در قالب تملیک و فروش قطعی - به متقاضیان تحویل می داد و سپس در راستای افزایش

ظرفیت دامپروری، متقاضیان را مکلف به تأسیس دامداری های پیشرفته برای افزایش ظرفیت و بهره وری از دام و اشتغال زایی می کرد و امکان نظارت استصوابی خود را حین اجرای قرارداد نسبت به متقاضیان حفظ می کرد؛ به گونه ای که در صورت خروج متعهد از مفاد قرارداد، حق ادره منابع طبیعی نسبت به ابطال قرارداد و اگذاری و نیز واگذاری زمین به اشخاص ذیصلاح دیگر و جبران خسارت وارده محفوظ می ماند.

از دیگر قوانین مهم مرتبط با جرایم سبز، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست است که در مواد ۱۱ و ۲۱ و ۳۱ آن قانون در خصوص آلودگی، جرم انگاری شده است؛ بر اساس ماده ۹ آن، اقدام به هر عملی که موجب آلودگی محیط زیست شود، ممنوع است. مقنن در ماده ۱۱، سازمان را مکلف کرده است بر اساس مقررات و ضوابط مندرج در ماده ۱۰، کارخانجات و کارگاه های آلوده کننده محیط زیست را مشخص کرده و مراتب را با درج دلایل، حسب مورد به صاحبان یا مسئولان کارخانجات اخطار کند تا در ظرف مدت معین، نسبت به رفع زمینه های آلودگی مبادرت ورزیده و یا از کار و فعالیت خودداری کنند. از دیگر قوانین مربوط، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۰۲ است. بر اساس ماده ۱ این قانون، در راستای تحقق اصل پنجاه قانون اساسی به منظور حفظ محیط زیست از آثار زیانبار پسماندها و مدیریت بهینه آنها وضع شده که بر اساس ماده ۳۲ آن، نظارت و مسئولیت حسن اجرای این قانون بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست است.

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۹۵/۳/۳ که مرتکب بر اساس ماده ۴ اصلاحی در صورت ارتکاب به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای قطع هر اصله درخت و چنانچه تعداد درختان قطع شده بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد؛ ولی با تصویب قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۶۸۶ آن، ماده ۶ لایحه قانون یاد شده، نسخ ضمنی شد؛ هر چند ماده ۶۸۶ نیز با وضع ماده ۴ مصوب ۱۳۸۸/۰۴/۰۲ مجمع تشخیص مصلحت

نظام منسوخ شد. از جمله دیگر قوانین در حوزه جرائم زیست محیطی، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۵ است که به موجب ماده ۱ آن، برخی از درختان از قبیل شمشاد و زرین، در سراسر کشور جزو ذخایر جنگلی بوده و قطع آن ممنوع است. گفتنی است با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و توجه در مواد ۴۶ الی ۵۹ این قانون، با توجه به درجه هفت بودن کیفر مقرر بزه موصوف، دادگاه مکلف به تعیین و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس برای مرتکب است و با این وصف، اعمال و اجرای مجازات حبس برای مرتکبان فاقد سابقه محکومیت در جرائم تعزیری درجه شش به بالا در بدو امر منتفی است.

۲- مبانی حقوقی جرائم سبز

۲-۱- تضمین حق بر محیط زیست سالم

محیط زیست در پرتو کارکردهای اجتماعی آن، بستر لازم و ضروری برای حیات جمعی است؛ به گونه‌ای که وجود و بقای بشر، بسته به وجود و بقای آن است. در واقع، بدون داشتن محیط زیست سالم، حقوق بنیادین انسان - اعم از حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر حق حیات، بهداشت، آموزش و ... - امکان استیفاء نخواهد داشت. یکی از بایسته‌های اولیه برقراری رژیم کیفری در هر نظام حقوقی، شناسایی، تدوین و ایجاد نظام سلسله‌مراتبی در میان ارزش‌های حقوقی جوامع است. با برقراری نظام سلسله‌مراتبی و تقسیم ارزش‌ها به ارزش‌های فرادست و فرودست است که شکل‌گیری یک نظام کیفری با حمایت از ارزش‌های فرادست ضرورت یافته و توجیه می‌شود. یکی از ارزش‌های بنیادین، حق بر محیط زیست سالم است (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۵۰). حق بر محیط زیست سالم، همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه‌های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است (طهره‌وند، ۱۳۹۰: ۱۹). امروزه در حقوق داخلی در قالب قوانین اساسی، آرای دادگاه‌ها و رویه‌های اداری شناسایی و تضمین شده است. در کشور ما در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۵۰ قانون اساسی، این حق به رسمیت شناخته شده است. در واقع، در اینجا می‌توان از اساسی‌سازی حق بر محیط

زیست سالم سخن گفت. اساسی سازی عموماً به فرآیند تغییر و تحوُّلی اطلاق شده است که به سبب رخنه و نفوذ هنجارهای اساسی در گرایش های مختلف علم حقوق (از جمله حقوق محیط زیست) و در نتیجه، آمیختن مجموعه نظم حقوقی به این هنجارها به وجود می آید (تقی زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۳). سازمان ملل متحد به عنوان یکی از کنشگران عرصهٔ بین المللی، با صدور قطعنامه ها و اعلامیه های متعدد، ضرورت حفاظت از محیط زیست، جلوگیری از وقوع این جرائم و برخورد با مجرمین آن، تأکید ورزیده است که نشان دهنده دغدغهٔ جهانی در این زمینه است.

در بسیاری از قوانین اساسی نیز، بر حقّ محیط زیست سالم و جلوگیری از فعالیت های مغایر با این حقّ تأکید شده است. به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفهٔ عمومی تلقی می گردد؛ از اینرو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.» یکی از حقوق بنیادین بشری که در قالب نسل سوم حقوق بشر جای می گیرد، حقّ بر محیط زیست سالم است. به وجود آمدن نسل سوم حقّ ها نیز مولود نیازهای جدید بشری و اقتضائات دنیای مدرن است، مانند موضوع تخریب محیط زیست. مهم ترین حقوق نسل سوم، حقوق همبستگی شامل: حقّ توسعه، حقّ صلح، حقّ برخورداری از محیط زیست سالم و ... است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۱۶). کشورهای مختلف با اصلاح یا تصویب قوانین اساسی جدید، حقّ بر محیط زیست سالم را به گونه ای صریح یا ضمنی مورد شناسایی قرار داده اند. این نخستین بارقه های ملی سازی حقّ بر محیط زیست و تحکیم آن در حقوق ملی بود. در سطح داخلی، تقریباً تعداد بالغ بر ۱۱۰ کشور، برخی از موازین را در قوانین اساسی خود گنجانده اند که دولت ها را متعهد به تضمین محیط زیست سالم برای شهروندان می نماید (مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۷). پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی،

مقولات نسل سوم حقوق بشر را به ۴ دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست و حق بر میراث. در حال حاضر، حق بر محیط زیست، توسعه یافته‌ترین موضوعی است که به عنوان حقوق همبستگی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است (ارجمند، ۱۳۷۳: ۳۲). مواد ۱۴ و ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، در بیان حق بر محیط زیست می‌گوید: «هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.» محتوای این حق نیز عبارت است از: حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی، حق بر آموزش مسائل زیست محیطی و حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی، از جمله مجازات و جبران خسارات زیست محیطی (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۲). اعلامیه استکهلم، حق بر محیط زیست، یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم را همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی نموده است. دادخواهی زیست محیطی، یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط زیست سالم است؛ حقی که به همه افراد حداقل شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط زیست علاوه بر این که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم نموده باشد، به جهت نفع عمومی اقامه دعوی نماید.

یکی از تضمین‌های مستحکم دستیابی حق بر محیط زیست سالم، افتراقی‌سازی رسیدگی به جرائم سبز است. اصل سیزدهم اعلامیه ریو مقرر داشته: «کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب عادلانه عاملان آلودگی محیط زیست و قربانیان آن، تدوین کنند. علاوه بر این، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت، جهت تنظیم یکسری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند، باشند.» در این میان، در جهت تضمین حق بر محیط زیست سالم، نظام‌های حقوقی از پدیده جهانی شدن بر گونه همسویی تبعیت نموده‌اند و جلوه بارز این جهانی شدن، رفتن به سمت افتراقی شدن رسیدگی‌ها در جرائم فنی

و تخصصی است. جهانی شدن، به طیف گسترده ای از مشکلات اجتماعی مانند فقر، اختلاف طبقاتی، فساد، قاچاق جهانی شدن انسان و مواد مخدر، پولشویی، تروریسم و جرائم زیست محیطی دامن می زند (عینی، ۱۳۹۰: ۲). حقوق کیفری به عنوان واقعیتی مسلم در حال تکوین و تحقق است، همچنان که خانم دلماس مارتی در خصوص جهانی شدن حقوق بیان داشته است: «دیگر این سؤال مطرح نیست که آیا با جهانی شدن حقوق موافقیم یا نه؟ این یک واقعیت است؛ حقوق جهانی می شود» (دلماسی مارتی، ۱۳۷۱: ۱۰۲). جهانی شدن حقوق کیفری، اصولگرایی کیفری کلاسیک را با چالش های جدی مواجه ساخت. سزار بکاریا و همفکرانش که روزگاری، اصولی را که خود مطرح نموده بودند به صورت اصولی دائمی و مطلق فرض می کردند؛ در حالی که با پیشرفت علوم و فنون تکنولوژی و جهانی شدن حقوق کیفری، جرائم فنی و تخصصی به منصف ظهور رسید که باعث شد تا مطلق بودن این اصول زیر سؤال برود. مسائل زیست محیطی در این میان، مانند تخریب لایه اوزون، گرم شدن کره زمین، آلودگی آب و خاک و مسائل مربوط به زباله های اتمی که تهدیدات جهانی محسوب می شوند و نوع بشر را تهدید می کنند فراتر از جنبه بین المللی است، لذا دولت ها برای مبارزه با این خطرات نوعی همگرایی جهانی ایجاد کرده اند (دلبروک، ۱۳۸۵: ۱۲۴). یکی از مبانی حقوقی افتراقی شدن رسیدگی ها به جرائم فنی و تخصصی، جهانی شدن حقوق کیفری است. در خصوص جرائم سبز نیز می توان گفت که یکی از مبانی حقوقی افتراقی شدن دادرسی در این حوزه، جهانی شدن جهت تضمین حق بر محیط زیست سالم است.

البته در خصوص جهانی شدن حقوق کیفری بایستی به این امر توجه داشت که جهانی سازی حقوق کیفری بر دو قسم است: الف) یگانه سازی یا وحدت؛ یعنی ایجاد یک قانون جزایی مشترک و یکپارچه برای تمامی کشورهای جهان. ب) هماهنگ سازی یا همسویی؛ در این روش، به جای همانندسازی حقوق کیفری، از هماهنگ

ساختن آن بحث می‌شود؛ یعنی هماهنگی حقوق کیفری دولت‌های مختلف در پرتو یک سلسله اصول مشترک. در روش همسویی حقوق کیفری، دولت‌ها در عین حال از تکثر حقوقی برخوردار هستند و از یکسری اصول مشترک هم پیروی می‌کنند (پردال ژان، ۱۳۸۲: ۱۶۱). در گونه دوم، ضمن ارج نهادن به تفاوت‌های ارزشی در نظام‌های حقوقی، برخی دغدغه‌های مشترک جهانی، محور نزدیک شدن نظام‌های حقوقی قرار می‌گیرد و دولت‌ها سعی می‌کنند در پرتو یک سلسله اصول مشترک، به یک همگرایی کیفری دست یابند. بسیاری از مشکلاتی که در زندگی کنونی نه تنها در روابط بین دولت‌ها مطرح است، بلکه در داخل کشورها هم امروزه مبارزه با جرائم سازمانی افته و تروریسم و جرائم زیست محیطی و ... تبدیل به خواست عموم شهروندان شده است (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۱۰۶). امروزه شاهد آن هستیم که دادسراهای تخصصی که عهده‌دار امر تعقیب و تحقیق در جرائم هستند، جهانی شده‌اند و دادسراها نیز در مسیر تخصصی شدن پیش می‌روند. در همین راستا، مقنن بر مبنای جهانی شدن، ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را پیش‌بینی می‌کند که باعث تشکیل دادسراهای تخصصی شده و یادآور افتراقی شدن در حوزه دادرسی کیفری است. تا آنجایی این جهانی شدن از منظر قانونگذار دارای اهمیت است که دادسراهای تخصصی را به صورت تمثیلی بیان نموده است، لذا دادرسی رسیدگی به جرائم زیست محیطی که در تمثیلات این ماده نیامده، مانعی برای تشکیل دادرسی تخصصی ایجاد نمی‌کند. امروزه در زمینه مبارزه با تروریسم یک همگرایی بین‌المللی به وجود آمده است. نمود بارز این جهانی شدن مبارزه با تروریسم، جرم‌انگاری تأمین منابع مالی تروریسم در کشور ایران است. یکی از مصادیق نوین تروریسم نیز، تروریسم زیست محیطی است که در نظام حقوقی فرانسه مورد پیش‌بینی واقع شده است. در نظام حقوقی ایران نیز همان‌گونه که بیان کردیم مصادیقی از این قسم نوین از تروریسم در قانون مجازات اسلامی ذیل جرم افساد فی الارض مطرح شده است؛ در نتیجه، نوعی همگرایی در قالب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص مبارزه با تروریسم و تأمین منابع مالی آن مشاهده می‌شود. در خصوص جرائم

زیست محیطی و رسیدگی های افتراقی به این دسته از جرائم، در حال حاضر، شاهد جهانی شدن بر گونه همسویی دیده می شود. در حال حاضر، دادسرای تخصصی رسیدگی به جرائم زیست محیطی در شهرستان های مختلف تشکیل شده است و هم اکنون در تهران تحت عنوان (دادسرای انفال و منابع طبیعی) مشغول به کار است. این دادسرا قبلاً تحت عنوان (دادسرای ویژه شهرداری و زمین خواری) بوده است که از سال ۱۳۸۳ فعالیت می کرده است. البته لازم به ذکر است که لزوم برخورد و رسیدگی های افتراقی، از سالیان دورتری مورد توجه قوه قضائیه بوده است به گونه ای که رئیس قوه قضائیه وقت، با ابلاغ بخشنامه شماره ۱/۷۹/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳ به دادگستری های سراسر کشور، تشکیل شعبات تخصصی به منظور رسیدگی به شکایات ادارات منابع طبیعی، محیط زیست و بهداشت درمان را متذکر شده بودند. از اینرو مبارزه با جرائم زیست محیطی و تروریسم زیست محیطی محقق نمی شود مگر با هماهنگی کردن و نزدیک نمودن سیاست کیفری کشورهای مختلف به همدیگر.

۲-۲- پایه های تقنینی

قانون اساسی، حاوی اصولی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می شود. چنان که اصل ۵۰ قانون اساسی اشاره دارد در اصول دیگری از قانون اساسی، حقوق اساسی آحاد ملت، تضمین و سیاستگذاری های مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است. مفاد این اصول، چرخه ای به وجود آورده است که از سویی، پیش نیاز تحقق بسیاری از حقوق یاد شده هستند و از سوی دیگر، اعمال صحیح آن سیاست ها به حفظ محیط زیست می انجامد (ارشدی، ۱۳۸۳: ۱۹). تضمین حفاظت از محیط زیست در چارچوب تشکیلات و ترتیبات ویژه ای امکان پذیر است که از آن تحت عنوان افتراقی شدن یاد می شود. حمایت و حفاظت از محیط زیست در حال حاضر به عنوان یکی از دغدغه های نظام های حقوقی محسوب می شود، به گونه ای که توسعه نیز به عنوان یکی از اهداف اصلی هر کشور، باید در

چارچوبی قانونمند صورت گیرد. از اینرو در نظام حقوقی ما نیز، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به تصویب رسیده است. در مواد مختلف این قانون که مشتمل بر ۷۳ ماده و ۱۰۰ تبصره بوده و در دهم بهمن ماه سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده است، به مناسبت مقررات مختلفی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست صورت پذیرفته است. به عنوان مثال، در ماده ۲۹ این قانون، مقررات خاصی جهت بهره‌برداری از جنگل‌ها مطرح شده و ضمانت اجراهای درخور توجهی نیز در نظر گرفته شده است تا اشخاص سودجو به بهانه توسعه کشور نتوانند جنگل‌ها را - که منابع حیاتی کره زمین و بخشی از نظام تنوع زیستی هستند - در معرض نابودی و کاهش جبران‌ناپذیری قرار دهند. حفاظت از جنگل‌ها در جهت حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار نیز مطرح شده است و این امر به عنوان دغدغه‌ای بین‌المللی است (خرسندی، ۱۳۸۴: ۳۷-۵۷). منظور از تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست، در واقع، آن دسته از تکنولوژی‌هایی هستند که می‌تواند کمک مؤثری بر کاهش اثرات توسعه بر محیط زیست داشته باشند. در قوانین برنامه‌های پنج‌سالانه توسعه نیز مقررات ویژه‌ای جهت حفاظت و حمایت همه‌جانبه از محیط زیست صورت گرفته است. آخرین اراده قانونگذار در خصوص برنامه‌های پنج‌سالانه توسعه، در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ هجری شمسی است. قانونگذار در این قانون، بخشی جداگانه را تحت عنوان «محیط زیست و منابع طبیعی» به محیط زیست اختصاص داده است. به موجب ماده ۳۸ این قانون، دولت موظف شده است تا اقداماتی را در جهت حفاظت از محیط زیست به عمل آورد. براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری نیز، برای نخستین بار در حوزه محیط زیست، یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها، دولت (قوای حاکم) است که در بند ۴ چنین مقرر شده است: «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیر مجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت». همان‌طور که می‌دانیم مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها

با پیش بینی دادسرا و دادگاه های تخصصی و افتراقی امکان پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضاوت تخصصی و آموزش دیده به منصف ظهور می رسد. از لحاظ بین المللی نیز در نشست استکهلم، به بررسی رابطه آدمی و محیط زیست، فناوری و محیط زیست و ارتباط آن با رشد فکری، اخلاقی، اجتماعی انسان و نقشی که وی در دگرگونی محیط زیست در اثر استفاده غیر اصولی و بی رویه و یا بالعکس آن، استفاده اصولی و بجا دارد، پرداخته شد (موسوی، ۱۳۸۰: ۹۴). اصول این اعلامیه، بر حفاظت از محیط زیست به عنوان حقی بشری، تأکید دارد. در بخشی از اصل ده اعلامیه ریو نیز آمده است: «دستیازی و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین شود.» این مقرر نشان می دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل مشاهده و نیازمند توجه است: مرحله ابتدایی، همان دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرائم زیست محیطی؛ مرحله میانی دسترسی به فرآیندی که عادلانه و مؤثر باشد؛ و مرحله نهایی دسترسی به لوازم اجرایی و جبران خسارت هایی که تصمیم دادگاه را تأمین نماید و جهت پیشگیری و جبران صدمات محیط زیست قابل پذیرش باشد (white, Rob, op cit, 2013: p269). اصل سیزدهم اعلامیه ریو مقرر داشته: «کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب عادلانه عاملان آلودگی محیط زیست و قربانیان آن، تدوین کنند. علاوه بر این، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت، جهت تنظیم یکسری قوانین بین المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می آورند، باشند.»

۲-۳- لزوم رعایت دادرسی منصفانه

یکی از مبانی حقوقی حاکم بر رسیدگی به جرائم سبز، لزوم رعایت دادرسی عادلانه و منصفانه است. این حق که یکی از حقوق بنیادین بشری است در بسیاری از اسناد بین

المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای خصوصاً بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر پیش‌بینی گردیده است. امروزه جهت رسیدن به دادرسی عادلانه و منصفانه در خصوص رسیدگی به جرائم سبز، بایستی ضوابط و معیارهای دادرسی عادلانه را در این خصوص مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۳- چالش‌های داخلی مقابله با جرم سبز

۳-۱- ناکارآمدی قوانین موجود

اهمیت روزافزون مسائل زیست‌محیطی، کشورهای جهان را برآن داشت تا با همکاری یکدیگر، اقدام به تنظیم قواعد و مقررات بین‌المللی در قالب‌های مختلف اعلامیه، معاهده، اعم از جهانی و منطقه‌ای و دیگر اسناد بین‌المللی در راستای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی موجود در آن بنمایند. در بسیاری از اسناد مذکور، از دولت‌ها خواسته شده است که تمهیدات لازم را برای اجرای مقررات تنظیمی فراهم آورند. به همین منظور، بسیاری از دولت‌ها تاکنون سازمان‌های مشخصی را مسئول رسیدگی به امر حفاظت از محیط زیست طبیعی ساختند. تعداد قابل توجهی از دولت‌ها اقدام به تأسیس وزارتخانه و برخی دیگر از آنها مسئولیت صیانت از محیط زیست را به سازمان‌های تخصصی واگذار نمودند (عبداللهی و فریادی، ۱۳۸۷: ۷۱). با وجود تلاش‌های سازمان‌های اخیرالذکر، متأسفانه جامعه جهانی همچنان شاهد رشد فزاینده مسائل و مشکلات زیست‌محیطی در حوزه وسیعی از قلمرو جغرافیایی جامعه جهانی است. خلافاً و کاستی‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف قانونگذاری و اجرایی، نهادها و سازمان‌های حفاظتی را تا حدود زیادی ناکارآمد ساخته است.

با مطالعه اجمالی در حوزه قانونی کشورهای مختلف، این نتیجه حاصل می‌گردد که در اکثر موارد، دولت‌ها در خصوص صیانت از محیط زیست با کمبود قانون مواجه نیستند و سیاستگذاری و اصول لازم‌الاجراء در حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی چون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، صید و شکار و ... وجود دارد. برای مثال، کشورهایی چون چین، روسیه، برزیل، اتحادیه اروپا و همچنین دولت جمهوری

اسلامی ایران و ... از قوانین جامع و مؤثری در راستای حفاظت از محیط زیست برخوردارند. دولت چین، جزو اولین کشورهای در حال توسعه برای پیاده سازی یک استراتژی توسعه پایدار محسوب می گردد. این کشور همچنین طرح هایی را برای افزایش حمایت از محیط زیست و مبارزه با تخریب آن تهیه کرده، و صیانت و مراقبت از محیط زیست طبیعی و منابع آن را به عنوان بخش جدایی ناپذیر از سیاست های اقتصادی خود می داند و معتقد است که یک سیاست اقتصادی خوب، ناشی از خط مشی زیست محیطی خوب است. در روسیه، حفاظت از محیط زیست به عنوان بخش جدایی ناپذیر از امنیت ملی در نظر گرفته شده است و از این دیدگاه، قوانین زیادی در حوزه های مختلف زیست محیطی به تصویب رسیده است.

اتحادیه اروپا نیز حفاظت از محیط زیست را به عنوان وظیفه ای مهم برای نهادهای خود برشمرده و پس از پیمان ماستریخت آن را به تصویب همه دولت های عضو رسانده و آنها را ملزم به پیش بینی قوانین زیست محیطی در قوانین داخلی خود نموده است. در برزیل نیز یک وزارتخانه ویژه محیط زیست تشکیل شده است که وظیفه پرداختن به مسائلی چون، اتخاذ یک سیاست ملی برای حفاظت از محیط زیست و منابع آن و حفاظت و استفاده پایدار از اکوسیستم و تنوع زیستی و جنگل ها و همچنین مقرر نمودن سیاست هایی برای یکپارچه سازی تولید با حفظ محیط زیست - که همگی توسط قوانین لازم، پیگیری و دنبال شوند - به آن محول گردیده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که همواره تلاش نموده است ضمن شرکت مؤثر در کنفرانس های بین المللی مربوط به تدوین مقررات بین المللی محیط زیست، بدون وقفه و یا حداقل با سرعت بیشتری نسبت به بسیاری دیگر از دولت ها، زمینه تبدیل آن مقررات را به قانون داخلی فراهم آورد. حفاظت از دریاها، حفاظت از هوا، تأکید بر مبارزه با مواد کاهنده لایه اوزون، مقابله با تغییرات اقلیمی و مقابله با تجارت گونه های مختلف گیاهی و جانوری در معرض انقراض و ... از جمله

مواردی است که نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط، اقدام به تدوین قوانین داخلی نمود. نمونه دیگری که دولت جمهوری اسلامی ایران به تدریج، اصول و قوانین لازم را در راستای حفاظت از محیط زیست در مورد آن تدوین نمود مسأله حمایت از تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی از جمله تالاب موجود در شهر رامسر ایران است (عبدالهی و فریادی، ۱۳۸۷: ۸) با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد نبود قوانین و مقررات در بسیاری از دولت‌ها، چالش اصلی حفاظت از محیط زیست به شمار نمی‌رود. حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که مشکل کجاست؟ چرا جامعه جهانی هنوز به نحو روزافزون شاهد مسائل و مشکلات زیست محیطی است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان اظهار داشت که صرف وجود قانون برای برقراری یک نظام مؤثر و کارآمد حفاظت از محیط زیست کافی نیست. این قوانین باید به گونه‌ای مطلوب اجرا شوند. اینجاست که می‌بینیم علیرغم وجود قوانین لازم و نسبتاً کافی، بسیاری از آنها به دلایل متعدد، مثلاً غیر روزآمد بودن و یا فقدان آئین‌نامه‌های اجرایی لازم، یا اجرا نشده و یا در صورت اجرا، چندان مؤثر واقع نمی‌شوند. پس چه باید کرد؟ با توجه به مطالب پیش گفته، لزوم بازنگری و اصلاح قوانین موجود کاملاً احساس می‌گردد. لذا این مسأله اهتمام قانونگذاران به تجدیدنظر در قوانین موجود و همچنین توجه آنها به افزایش صلاحیت‌ها و اقتدارهای تقنینی و نظارتی نهادهای حفاظتی محیط زیست را می‌طلبد.

۲-۳- نظام جرم‌انگاری و تعقیب کیفری

یکی از چالش‌های موجود در مورد جرایم زیست محیطی فرامرزی، فقدان جرم‌انگاری آنان در قوانین داخلی کشورها است. از آنجا که کشورها به دنبال تحقق منافع خود هستند اعمال ضد حاکمیتی و مخل نظم عمومی را تنها در قلمرو مرز خود در نظر گرفته و اقدام به جرم‌انگاری آنها می‌کنند. عموماً نظام‌های سیاسی، در قوانین داخلی، رفتارهای مخرب فرامرزی را جرم‌انگاری نمی‌کنند؛ زیرا تمایلی به درگیر شدن در فرایندهای حقوق کیفری بین‌المللی ندارند. جرم‌انگاری رفتارهای مخرب فرامرزی در قوانین داخلی کشورها چالش‌هایی چون آغاز تعقیب کیفری استرداد بزهکاران

قانون صالح و ... را به وجود می آورد؛ از اینرو، کشورها در فرایند جرم انگاری تنها به رفتارهایی توجه می کنند که در مرزهای داخلی آنها، خطر آفرین باشد. مشکلات مربوط به تعقیب کیفری استرداد و ... آنچنان است که حتی در صورت علم کشورها به برخی رفتارهای مخرب و دغدغه مند بودن در آن، حوزه باز آن رفتارها را جرم انگاری نمی کنند و صرفاً برخی چالش های درون کشور را با پاسخ کیفری مواجه می سازند؛ از اینرو اختیار مطلق نظام های سیاسی در فرایند جرم انگاری موجب شده است تا نظرات فعالان جرایم فرامرزی مبنی بر جرم انگاری رفتارهای مخرب بین المللی، نادیده گرفته شود.

بدون شک، یکی از رفتارهای مخرب فرامرزی، جرایم زیست محیطی است که به اقتضای خود، وصف بین المللی پیدا می کند؛ به عنوان مثال، آلودگی های رودخانه های مرزی همچون رود رن در فرانسه و سوئیس، آلودگی دریای خزر در هر یک از کشورهای ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان و تخریب محیط زیست خلیج فارس در کشورهایی چون ایران، عربستان، عراق، کویت، بحرین و ... به کشور دیگر سرایت می کند در این حالت، بنا به دلایل پیش گفته، کشورها تمایل چندانی به جرم انگاری رفتارهای مخرب محیط زیست ندارند. به عنوان مثال، کشور عراق، تنها در قبال جرایم زیست محیطی خلیج فارس در قلمروی سرزمینی خود حساس است و به سرایت آلودگی به کشورهای دیگر، اهمیتی نمی دهد. این امر علاوه بر آن که مسئولیت پذیری بین المللی کشورها را زیر سؤال می برد در بلند مدت، منجر به تخریب محیط زیست طبیعی نیز می شود.

در تحلیل جرایم زیست محیطی در نظام عدالت کیفری ایران در این قلمرو به نکته جالبی می رسیم و آن این است که در مجموعه قوانین زیست محیطی در ایران، از جمله قوانین صید و شکار اصلاحی (۱۳۷۵)، نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴)، مدیریت پسماندها (مصوب ۱۳۸۳)، حفاظت و بهره برداری از جنگل ها

(مصوب ۱۳۴۶)، تعزیرات (۱۳۷۵)، حفظ اراضی و باغ‌ها (مصوب ۱۳۷۴)، حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی (مصوب ۱۳۷۴)، مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر (مصوب ۱۳۷۲)، مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس (مصوب ۱۳۵۸)، حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی مواد نفتی (مصوب ۱۳۵۴)، اصلاح قوانین و مقررات استاندارد (اصلاحی ۱۳۷۶)، حفاظت بهسازی محیط زیست (اصلاحی ۱۳۷۱)، قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (اصلاحی ۱۳۸۸)، به جرایم زیست‌محیطی فرامرزی هیچ اشاره‌ای نشده است.

۳-۳- ضعف رویه قضایی و عدم باور حقوقی قضات به اهمیت

موضوع

واضح و مبرهن است که صرف وضع قانون، بدون وجود ضمانت اجرای مناسب و کافی و یا به بیان دیگر، قواعد و مقررات کیفری و بازدارنده، تا حدود زیادی موجبات تعلل و اهمال مخاطبان آن را فراهم آورده و زمینه ساز بروز سلیقه‌ای مبتنی بر منافع آنها می‌شود. بدین معنا که دولت‌ها، افراد - اعم از حقیقی و حقوقی - و همچنین نهادها و ارگان‌های دولتی دست اندرکار، فقط زمانی خود را ملزم به اجرای قواعد و مقررات می‌کنند که منافع آنان ایجاب نماید. در غیر این صورت، خود را مقید به اجرای قوانین نمی‌بینند، و از آنجا که هیچ نیروی قاهره‌ای برای اجبار آنها به تقید به قوانین وجود ندارد اعمال آنها صرفاً به صلاحدید آنها واگذار می‌گردد. وضع و تصویب قانون در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. لزوم اتخاذ یک سیاست کیفری کارآمد که متضمن انتخاب آگاهانه و مناسب جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌های هدفمند باشد، از اصول اساسی در زمینه صیانت از محیط زیست و منابع طبیعی موجود در آن است. قوانین ماهوی زیست‌محیطی برای این که بتوانند مؤثر واقع شوند باید توسط یک سری قواعد کیفری که در آنها جرائم زیست‌محیطی تعریف و یا مصادیق آنها عنوان و برای هریک از آنها مجازات‌های لازم تمهید شده باشد مورد حمایت قرار گیرند. بدیهی است که چنان چه با دقت لازم، ضمانت‌اجراهای کیفری پیش‌بینی نگردد نظام عدالت کیفری در وصول به اهداف خود ناکام خواهد ماند. امروزه

پاسخ های کیفی را نسبت به جرائم زیست محیطی از دو بُعد می توان مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

اول: نحوه انتخاب ضمانت اجراها و یا به بیان دیگر، مجازات ها که باید متناسب با شدت و وخامت جرائم ارتكابی باشد.

دوم: نحوه برخورد و مواجهه قضات با مجازات های پیش بینی شده در قوانین کیفی که باید همواره به صورتی جدی و قاطع صورت گیرد (کوشکی، ۱۳۸۷: ۱۱).

به طور قطع، فقدان هر یک از ابعاد فوق الذکر می تواند منجر به ناکارآمدی نظام کیفی در زمینه حفظ محیط زیست گردد. برای مثال، انتخاب ضمانت اجرا باید به گونه ای صورت بگیرد که عملاً به هدف از وضع آن - که همان بازدارندگی است - دست یافت؛ به نحوی که اشخاص مرتکب جرم، دوباره مرتکب جرم نشوند و سایر تابعان حقوق کیفی نیز با توجه به نوع کیفر انتخاب شده، ارتکاب جرم را به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود انتخاب نکنند، چراکه در بسیاری از موارد، جرائم زیست محیطی توسط اشخاص مطلع جهت رسیدن به سود بیشتر و با محاسبه قبلی صورت می گیرد؛ بنابراین چنان چه مجازات های انتخابی توسط قانونگذار، موازنه فوق را به نفع حفاظت از محیط زیست سنگین نکند شاهد عدم تأثیر مناسب مجازات ها در عمل خواهیم بود. یقیناً حقوق کیفی با تعیین و انتخاب جرم انگاری ها و ضمانت اجراهای مناسب، به تمامی اهداف خود نائل نمی شود بلکه باید در کنار موضوعات فوق، سیاست منسجم و منظمی جهت تعقیب دعاوی زیست محیطی نیز داشته باشد. لذا برای این که این مهم عملی گردد نخست باید سیاست های تعقیب دعاوی زیست محیطی تعریف و تبیین شده و متعاقب آن، ضابطین دادگستری متخصصی در این زمینه وجود داشته باشند که همواره از آموزش های لازم برخوردار شوند. همچنین در کنار این تدابیر، قضات متخصص و مراجع قضایی تخصصی مخصوصاً در مناطقی که محیط زیست بیشتر در معرض خطر است، ایجاد شود و در این زمینه، همواره آموزش های لازم وجود داشته

باشد تا قضات کیفری با حساسیت موضوع آشنا گردند و نسبت به جرائم، واکنش لازم و مناسب از خود بروز دهند.

مطالعه اجمالی رویه قضایی بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه در خصوص جرائم زیست محیطی، این واقعیت را برملا می‌سازد که رسیدگی قضات به آنها همواره بر مسامحه و ارفاق استوار است و یکی از دلایلی که باعث چنین وضعیتی شده، این است که در اذهان قضات و دیگر مأموران اجرایی، ارزش‌های زیست محیطی، چندان مهم و چشمگیر جلوه نمی‌کند؛ و به همین دلیل، به استفاده از ابزارهای کیفری در جهت حلّ معضلات زیست محیطی تمایلی بروز نمی‌دهند. به نظر می‌رسد که موضوعات زیست محیطی به عقیده قضات، به اندازه سایر جرائم جامعه را تهدید نمی‌کنند در حالی که امروزه، محیط زیست در کنار سایر حقوق اساسی نظیر حق حیات، از جایگاه والایی برخوردار است؛ لذا تلاش برای حفظ و حمایت از آن باید از اولویت‌های دولت‌ها باشد (کوشکی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

۳-۴- رابطه نامتوازن نظام اقتصادی و حفاظت از محیط زیست

همان‌طور که می‌دانیم به منظور به حرکت درآوردن چرخ اقتصاد و تأمین کالاها و خدمات برای جوامع انسانی، باید مواد اولیه (مواد خام و سوخت) را از طبیعت استخراج و فراوری نمود و به دنبال آن پسماندها را به محیط بازگرداند. این موضوع به خوبی ارتباط تنگاتنگ بین نظام اقتصادی و محیط زیست را نمایان می‌سازد. از آنجا که فعالیت‌های انسانی به طرق مختلف بر محیط زیست تأثیر می‌گذارند طبیعتاً موجبات تخریب آن را در حدّ وسیعی فراهم می‌آورند. بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع طبیعی، بدون در نظر گرفتن قابلیت تجدیدپذیری یا عدم تجدیدپذیری آنها به منظور برآوردن نیازهای انسانی، منجر به پیدایش نظرات مختلفی از سوی اقتصاددانان و اندیشمندان محیط زیست در قالب ابزارهای اقتصادی بهره‌برداری از محیط زیست گردیده که این، خود گویای لزوم تلاش برای متوازن نمودن نظام اقتصادی و صیانت و حفاظت از محیط زیست است. در واقع، این گروه از اندیشمندان معتقدند که اگرچه قانون و مقررات محیط زیستی از اهمیت بسزایی در حفاظت از محیط زیست برخوردارند اما با توجه به گستردگی ابعاد

معضلات زیست محیطی و تعدد بهره برداران و تولیدکنندگان آلودگی، پیش بینی نمی شود که این مقررات به تنهایی قادر به حل مشکلات محیط زیست برآیند، بلکه اینجا سازوکارهای اقتصادی هستند که در شکل گیری رویکرد سیاستگزاران و مدیران، نقش تکمیلی داشته و بر کارآمد کردن قانون و مقررات، تأثیر غیر قابل انکاری خواهند داشت. در واقع، برای تصمیم گیری درباره مشکلات و پیامدهای زیست محیطی و ارزیابی اثرات آن در فعالیت های توسعه ای، ابزارهایی در نظر گرفته شده است و اما مهم ترین دلایل و ضرورت های پیش بینی ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط زیست نظیر، عوارض، از جمله عوارض محصول و عوارض انتشار، مالیات ها و مشوق های اخلاقی و همچنین ابزارهای کنترلی مانند استاندارد فناوری به موازات ضمانت اجرا و غیره را کمک به مدیران و تصمیم گیران جهت اتخاذ تصمیم بهتر و معقول تر که کمترین تبعات زیست محیطی را داشته باشند، می دانند.

۳-۵- مخاصمات مسلحانه داخلی

حقوق بین الملل محیط زیست - اعم از عرفی و معاهده ای - اگر چه جنبه های گسترده ای از محیط زیست را مورد بحث و بررسی قرار داده است لیکن نمی توان این واقعیت را انکار نمود که این رشته از حقوق، تا به حال قادر نبوده است تصویر کاملی از اصول و قواعد لازم را در زمینه حفاظت از محیط زیست ارائه نماید. یکی از این جوانب که هنوز نتوانسته موضوع بحث و بررسی جدی محافل علمی حقوقی حقوق بین الملل محیط زیست قرار گیرد چگونگی رابطه میان مخاصمات مسلحانه - اعم از بین المللی و غیر بین المللی - با محیط زیست و منابع طبیعی آن می باشد. علیرغم همه تلاش های بی وقفه جامعه جهانی در خصوص کاهش جنگ ها و منازعات مسلحانه از زمان پایان جنگ جهانی دوم، نمی توان گفت که اکنون اینگونه نزاع ها کمتر شده است؛ بلکه بالعکس، امروزه جنگ های بسیاری در جهان - اعم از بین المللی و غیر بین المللی - بیش از هر زمان دیگری به وقوع می پیوندد. اگر در گذشته به طور معمول، جنگ

میان دو کشور مستقل صورت می‌گرفت متأسفانه در سال‌های اخیر، جنگ میان دولت مرکزی یک کشور مستقل و گروه‌های مخالف آن به امری متداول و رایج تبدیل شده است (شاحیدر و مؤیدیان، ۱۳۷۳: ۱-۷). متأسفانه منابع طبیعی به ویژه، منابع طبیعی پرارزش، به عنوان منبع درآمد جهت تأمین مالی اینگونه مخاصمات و تهیه سلاح برای آنها بروز نموده است. از دهه ۷۰ به این سو، منابع طبیعی، دستکم آتش هجده جنگ داخلی را شعله‌ور ساخته است؛ به طوری که الماس، چوب، نفت، مواد معدنی و کاکائو در مخاصمات داخلی کشورهایی چون جمهوری دموکراتیک کنگو، ساحل عاج، لیبیا، سیرالئون، آنگولا، سومالی، سودان، اندونزی و کامبوج مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۷۷: ۱۳).

۴- رسیدگی به جرایم سبز

۴-۱- ضرورت رسیدگی افتراقی به جرایم زیست محیطی در نظام حقوقی

ایران

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۳۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاهد گسترش دادرهای تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادرهای تخصصی نماید که در واقع، پیام آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش‌دادرسی به ویژه، در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالایی برخوردارند. در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از بسترهای قانونی افتراقی سازی دادگاه‌ها ماده ۵۶۶ است که مقنن به موجب این ماده این ظرفیت را ایجاد کرده است تا مراجع قضایی به سمت افتراقی سازی دادگاه‌ها پیش بروند. از آنجا که وظیفه قوه قضائیه حسب اصول شصت و یکم و یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفظ حقوق عمومی احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین است اما متأسفانه در جهت تشکیل دادگاه‌های تخصصی زیست محیطی در تمامی شهرستان‌ها گام برداشته نشده است. پرواضح است که یکی از حقوق عامه که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند حق بر محیط زیست سالم و ایمن است. تضمین حفاظت از این حق،

برخوردی تخصصی و افتراقی را می‌طلبد و یکی از حوزه‌های افتراقی سازی، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در جرایم زیست محیطی است (رحیمی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۳).

۴-۲- مشارکت عمومی و حقوقی در مقابله با جرائم زیست محیطی

تحقق اصل مشارکت علاوه بر حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، مستلزم مشارکت عموم در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و دسترسی و توسل مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط زیست است (سلاطین و غفاری صومعه، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵) که اصطلاحاً تحت عنوان حق بر مشارکت زیست محیطی از آن یاد می‌شود. از آنجا که محیط زیست، کالایی عمومی است بالتبع باید قبول کنیم برای حفظ آن به مداخله عموم نیازمندیم. اعطای سمت به شهروندان و به ویژه سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی در طرح دعاوی منفعت عمومی، یکی از کارآمدترین شیوه‌های مشارکت مردمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرای کارآمد حقوق محیط زیست و تحقق محیط زیست سالم است؛ از اینرو بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های حقوقی اعم از قوانین موضوعه و تفسیر قضایی مناسب، راه را برای طرح دعاوی منفعت عمومی هموار کرده‌اند (جم، ۱۳۸۷: ۸).

در نظام حقوقی ایران، مشارکت مردم در اداره جامعه یکی از موضوعات مهمی است که در اصول (سوم، ششم، هفتم، هشتم، پنجاه و ششم، پنجاه و نهم و یکصد و چهارم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تأکید شده است. مطرح نمودن سازمان‌های مردم‌نهاد در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، یکی از جلوه‌های سیاست‌گذاری مشارکتی است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزه‌دیده، به ویژه بزه‌دیدگان خاص، نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی ایفا می‌کند؛ مضافاً این که در حوزه‌هایی که مدعی العموم به سادگی نمی‌تواند به آنها ورود کند و بحث تعقیب دچار مشکل می‌شود سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه برخی آنان را «دادستان خصوصی» یا «شبه دادستان» می‌نامند در تعامل با دادستان قرار گرفته و سعی

می‌کنند حامی حقوق افراد و جامعه باشند (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷: ۲۴). با وجود این، عدم پیش‌بینی حقوق شاکی برای سازمان‌های مردم‌نهاد، تا حدّ زیادی دامنه کارآمدی این مقرّره را کاهش می‌دهد (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۱۹). توضیح مطلب این که در حقوق کیفری، مفهوم شکایت، متفاوت از مفهوم اعلام جرم است؛ به طوری که به درخواست تعقیب جرمی که صرفاً دارای حیثیت و جنبه عمومی باشد اعلام جرم می‌گویند؛ یعنی هر شخصی می‌تواند اعلام جرم کند و تعقیب مجرم را از دادستان بخواهد؛ اما چنان‌چه جرمی جنبه خصوصی داشته باشد فقط شاکی خصوصی می‌تواند شکایت کند و در صورت عدم شکایت، تکلیفی برای دادستان ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین مفاد ماده ۶۶ مبنی بر حقّ شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام مراحل دادرسی بدون حقّ مداخله در فرآیند دادرسی و امکان اقامه دلیل و اعتراض به تصمیمات یا آرای قضایی است که رسالت دادخواهی سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) را در حدّ تماشاگر فرایند دادرسی کاهش داده است. علاوه بر این، تبصره سوم ماده ۶۶ نیز برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرطی غیر قابل توجیه (تصویب اسامی سمن‌ها توسط رئیس قوه قضائیه را در روند دادخواهی آنها ایجاد نموده است؛ به عبارت دیگر، یک سمن (که تبعاً مطابق اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازی به اخذ مجوز ندارد) اگر اجازه تأسیس را از وزارت کشور کسب کرده و موجودیت قانونی و حقوقی نیز داشته باشد، ممکن است در لیست تهیه شده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور قرار نگیرد یا نام وی به تصویب رئیس قوه قضائیه نرسد و از حقّ اعلام جرم نیز محروم شود. این در حالی است که در بسیاری از کشورها نظیر دانمارک، سوئد، ایتالیا و نروژ، سمن‌های زیست‌محیطی، نقش مؤثری را در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی ایفاء می‌کنند؛ برای مثال، در کشور ایتالیا در جرایمی که علیه محیط زیست واقع می‌شود، سمن‌های زیست‌محیطی ضمن اعلام جرم به پلیس محلی و طرح شکایت، اجازه حضور در دادگاه، دفاع و اعتراض به آرای صادر شده را دارند و از پرداخت هزینه دادرسی نیز معاف می‌باشند؛ اکنون در حوزه اتحادیه اروپا، بیش از هفتصد و چهل سمن زیست‌محیطی در ابعاد مختلف اعم از آلودگی هوا، خاک، آب،

آلاینده های شهری ناشی از پسماندها و غیره مشغول به فعالیت هستند که ضمن حفظ استقلال خود، از حمایت های مادی و معنوی دولت ها نیز بهرمنند می شوند (جعفری و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳). آخرین جلوه پذیرش مشارکت گرایی در نظام عدالت کیفری ایران را می توان در «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۱۸ رئیس قوه قضائیه» مشاهده نمود که اهداف خود را تقویت رویکرد مشارکت مردمی و افزایش تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه (بند الف ماده ۲) تسهیل عملکرد نهادهای مردمی در موضوعات این دستورالعمل (بند ب ماده ۲)، ارتقای توانمندی و تقویت ظرفیت نهادهای مردمی (بند پ ماده ۲) و بهره مندی از ظرفیت نهادهای مردمی در راستای تحقق اهداف قوه قضائیه (بند ت ماده ۲) بر شمرده و حوزه های مشارکت و فعالیت نهادهای مردمی را در موارد ذیل تعیین می نماید: مشارکت در سیاستگذاری (مواد ۱۴ و ۱۵)؛ مشارکت در پیشگیری از جرم (مواد ۱۶ الی ۱۹)؛ مشارکت در حمایت از بزه دیدگان (مواد ۲۰ تا ۲۲)؛ مشارکت در میانجیگری و صلح و سازش (مواد ۲۳ تا ۲۷)؛ مشارکت در نظارت بر اجرای قوانین (مواد ۲۸ و ۲۹)، مشارکت در فرایند رسیدگی (مواد ۳۰ الی ۳۳)؛ مشارکت در باز اجتماعی شدن متهمان و مجرمان (مواد ۳۴ تا ۴۵).

با وجود ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دستورالعمل اخیر التصویب رئیس قوه قضائیه، نگاه به قوانین و مقررات مصوب در زمینه محیط زیست به طور خاص، از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع، آئین نامه اخذ ورودیه از پارک ها و موزه ها، قانون مجازات صید غیر مجاز در دریا و غیره، مؤید این مطلب است که در این متون قانونی، اشاره ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان هایی که متصدی امر حفاظت محیط زیست نمی باشند، نشده است (همتی، ۱۳۹۷: ۹). تنها در بند «ط» ماده ۳۸ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶، قانونگذار

امکان مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را به صورت محدود و در تهیه تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی نموده است...؛ این امر، به نوبه خود بر تردید رویه قضایی نسبت به پذیرش مشارکت عمومی در زمینه مقابله با جرایم زیست‌محیطی و پیشگیری از آنها افزوده و فرایند مزبور را با اختلال مواجه نموده است.

نتیجه‌گیری

جرایم زیست‌محیطی (جرم سبز) در حال حاضر، یک شاخه از مهم‌ترین جرائم می‌باشد که به لحاظ ماهیت پیچیده خود از یک طرف، و شمول و گستردگی آن از طرف دیگر، نیازمند جرم‌شناسی دقیق و به دنبال آن سیاستگذاری کیفی متناسب و مؤثر می‌باشد؛ چراکه وجود قلمروهای متفاوت در رهگذر آلودگی‌های زیست‌محیطی، سبب مطرح شدن عناوین خاصی چون آلودگی صوتی، آب و هوا می‌گردد که با انعکاس قلمرو عناوین مختلف مربوط به آلودگی محیط زیست در قوانین و مقررات، جرائم زیست‌محیطی متنوع و متعددی نیز در اینباره و در گستره حقوق کیفری و محیط زیست مطرح می‌شود. دستیابی به این هدف، نیازمند شناخت دقیق جرائم زیست‌محیطی و به تبع آن، تقنین درست و دقیق در این حوزه از جرائم است؛ بدون شک شناخت چالش‌های مقابله با جرم سبز در این خصوص از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ ضمن این که اولاً، اتخاذ سیاست کیفری مبتنی بر رسیدگی افتراقی به جرائم این حوزه و ثانیاً در کنار آن، تقویت اصل مشارکت عمومی در مقابله با جرائم زیست‌محیطی و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان یکی از جلوه‌های سیاست جنائی مشارکتی، زیربنای تمامی این سیاست‌گذاری‌ها محسوب شده و در عمل، ضمانت اجرای قوانین، مصوبات و آئین‌نامه‌های اجرائی را به ارمغان خواهد داشت.

منابع

- الماسی، علی (۱۳۸۵)، *بهداشت عمومی*، ج ۲، تهران: انگیزه.
- امید، جلیل؛ یوسفی پور، فرهاد (۱۳۹۳)، *موقعیت و مبانی ارزش‌گذاری محیط زیست و لزوم مقابله با آلاینده‌ها در فقه اسلام*، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۱، ۷-۳۰.

- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۳)، **حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۵، ۳۲۳-۴۳۶.
- امیری اردکانی، محمد؛ عمادی، محمدحسین (۱۳۸۱)، **دانش بومی در کنترل آفات و بیماری های گیاهی**، تهران: دفتر مطالعات و تلفیق برنامه ها.
- برخوردار، بنفشه (۱۳۸۷)، **شناخت محیط زیست**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- بهرامی احمدی، حمید؛ فهیمی، عزیزاله (۱۳۸۶)، **مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران**، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۶، ۱۲۱-۱۵۰.
- بیگ، محمدسهراب؛ نوروزی، کوروش (۱۳۹۶)، **سیاست جنائی اسلام و ایران در قبال جرایم زیست محیطی**، تهران: قانون یار.
- بیگدلی راد، محمد علی (۱۳۸۵)، **نکات ایمنی اشعه**، قزوین: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.
- پوربافرانی، حسن؛ همتی، مرضیه (۱۳۹۵)، **نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست محیطی**، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۸۷، ۳۴۹-۳۷۳.
- پورهاشمی، سید عباس؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۲)، **حقوق بین الملل محیط زیست**، تهران: دادگستر.
- پویی زو، لویل (۱۳۸۰)، **خطر تشعشعات هسته ای بررسی حادثه انفجار رآکتورهای نیروگاه هسته ای چرنوبیل**، ترجمه: احمد علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۶)، **حقوق کیفری محیط زیست**، تهران: قومس.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۴۰۱)، **حقوق محیط زیست در ایران**، چ ۱۰، تهران: سمت.
- جوزف اف؛ دی متو (۱۳۹۴)، **محیط زیست جهانی و حقوق بین الملل**، ترجمه: سبحان طیبی، تهران: مجد.
- حسن زاده، مهدی (۱۳۸۹)، **مبانی فقهی اعتبار نظر اهل خبره**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۲/۴۰، ۱۲۵-۱۳۷.
- حسینی آزاد، سید علی؛ محمدی، مهرداد (۱۳۷۷)، **حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل**، تهران: شهردانش.
- خادمی، حجت؛ عباسی، محمود (۱۳۸۹)، **حمایت از منابع ژنتیک در پرتو قانون ثبت اختراعات**، طرهای صنعتی و علائم تجاری، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۲، ۱۰۵-۱۳۰.

- خوئینی، غفور (۱۳۹۵)، **مواد هسته‌ای**، همایش ملی مهندسی قدرت و نیروگاه‌های هسته‌ای، بوشهر.
- دبیری، فرهاد (۱۳۸۰)، **بررسی قوانین و مقررات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در ایران**، تهران: اطلاعات.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۹)، **مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- سینگر، پیتر (۱۳۸۸)، **یک جهان: اخلاق جهانی شدن**، ترجمه: محمد آزاده، تهران: نی.
- شاحیدر، عبدالکریم؛ نژادسلیمانی، صالح (بی تا)، **حق بر محیط زیست سالم در رویه قضائی ایران**، سومین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۲)، **آئین دادرسی مدنی**، ج ۳، چ ۲۳، تهران: دراک.
- طحان پور، سمانه (۱۳۸۹)، **جرم انگاری تخریب محیط زیست در حقوق بین‌الملل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۵)، **مبانی تحقق جرائم زیست‌محیطی**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ۴۱ و ۴۰، ۴۹-۵۸.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، **روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها**، چ ۲، تهران: سمت.
- کشاورز، اسدالله (۱۳۹۹)، **بزهکاری سبز**، تهران: میزان.
- گرجی فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵)، **جرم‌شناسی سبز**، تهران: میزان.
- گوندلیک، لوتار و دیگران (۱۳۸۹)، **حقوق محیط زیست**، چ ۲، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
- مشهدی، علی (۱۳۹۲)، **حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی - فرانسوی)**، تهران: میزان.
- مگدلن، ژریستف (۱۳۹۸)، **خطرات زیست‌محیطی کاهش منابع دریایی**، ترجمه: ونوس فرخی، تهران: جنگل.
- ملکم شاو (۱۴۰۰)، **حقوق بین‌الملل محیط زیست**، ترجمه: علی مشهدی، تهران: خرسندی.
- موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۹۱)، **سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست**، تهران: میزان.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۳)، **حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت)**، ج ۱، تهران: میزان.
- وایت، راب (۱۳۹۴)، **جرائم علیه طبیعت**، ترجمه: پیمان نمایان و سبحان طیبی، تهران: مجلد.

- وایت، راب (۱۳۹۵)، **جرائم محیط زیست فراملی به سوی جرم شناسی جهان بوم**، ترجمه: حمیدرضا دانش ناری، تهران: میزان.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۹)، **جهانی شدن و آینده دموکراسی**، چ ۵، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز.
- هنکرتز، ژان ماری؛ دوسوالدبک، لوئیس (بی تا)، **حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی**، ج ۱، چ ۲، ترجمه: دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجد.

